

پاسخ رهبر ایران به ترور سلیمانی

به قلم مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

۳ ژانویه ۲۰۲۰

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/irans-supreme-leader-responds-soleimani-assassination
العربية (/policy-analysis/almrshd-alaly-fy-ayran-yrdw-ly-aghtyal-slymany/)

درباره نویسنده



مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

مهدی خلجی عضو ارشد و هموند پژوهشی خانواده لیبتسکی در انستیتو واشنگتن پژوهشگر تشیع فلسفه و کارشناس سیاست ایران



تحلیل کوتاه

هرچند خامنه‌ای و دیگر مقامات رژیم ایران پس از ترور سلیمانی به سرعت وعده انتقام دادند اما فعلا ممکن است روی تقویت احساسات وطن‌دوستانه و حمایت از نظامیگری در داخل کشور تمرکز کنند

چند ساعت پس از آن‌که ایران تایید کرد قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در عراق کشته شده است علی خامنه‌ای رهبر ایران بیانیه‌ای صادر کرد و در آن گفت که خون قاسم سلیمانی «به دست شقی‌ترین آحاد بشر به زمین ریخت». او سلیمانی را چهره بین‌المللی «مقاومت» خواند و سه روز عزای عمومی در ایران اعلام کرد. خامنه‌ای همچنین گفت که «انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است» که سلیمانی را کشتند قبل از صدور این بیانیه آمریکا مسئولیت کشتن سلیمانی را بر عهده گرفته بود. دیگر مقامات عالی‌رتبه ایرانی از جمله حسن روحانی رئیس‌جمهور علی لاریجانی رئیس مجلس و امیر حاتمی وزیر دفاع با ابراز احساساتی مشابه به صراحت وعده «انتقام» از «همه کسانی» دادند که در ترور قاسم سلیمانی مشارکت داشتند.

علی‌رغم این اظهارات اما و با وجود نقش بی‌نظیر سلیمانی در اجرای سیاست ماجراجویانه و جنگ نامتقارن ایران در منطقه رژیم ممکن است از اقدام تلافی‌جویانه عمده و فوری پرهیز کند به خصوص اگر تشخیص دهد چنان اقدامی پرهزینه خواهد بود و یا به تقابل نظامی جدی میان ایالات متحده و ایران خواهد انجامید. خامنه‌ای در اول ژانویه در میانه تشدید تنش‌ها در عراق و قبل از ترور سلیمانی گفته بود: «ما هرگز کشور را به سمت جنگ نمی‌بریم» اما اگر دیگران بخواهند موضوعی را به این کشور تحمیل کنند با قدرت تمام مقابل آنها می‌ایستیم». رهبر ایران در پاسخ به تاکید رئیس‌جمهور ترامپ مبنی بر نقش ایران در آشوب ۳۱ دسامبر (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/u.s.-iraq-relations-at-a-crossroads-policy-options>) و حمله به سفارت آمریکا در بغداد به مخاطبان خود گفت که دو پیام برای واشنگتن دارد: «اولا غلط می‌کنید زیرا این موضوع ربطی به ایران ندارد» ثانيا باید منطقی باشید و بفهمید که علت اصلی این قضایا چیست. البته آنها منطقی نیستند».

در روزهای آینده رژیم احتمالا بیشتر توجه خود را به سازمان‌دهی تشییع جنازه‌ای بزرگ و مراسم عزاداری برای سلیمانی معطوف خواهد کرد. هر چه نباشد تبلیغات دولتی در دهه گذشته فرمانده نیروی قدس سپاه را یک قهرمان ملی تصویر کرده و تلاش‌های او برای دفاع از کشور در برابر داعش و دیگر دشمنان خطرناک را در بوق و کرنا کرده است. این تبلیغات نقش برون‌مرزی قاسم سلیمانی را هم برجسته ساخته تا این پیام را برساند که در مواجهه با تهدیدهایی که منشأ آن آمریکاست «مقاومت» موثرتر از مذاکره است. شگردی که رژیم در کم‌اهمیت جلوه دادن تلاش‌های دیپلماتیک روحانی و دستاوردهای سیاست خارجی او در زمینه توافق هسته‌ای و دیگر مسائل به کار

گرفته است. از دیگر مواردی که تا پیش از این برای ادای احترام به سلیمانی انجام شده چاپ تمبری با تصویر او و صدها ساعت برنامه تلویزیونی و رادیویی با هدف تجلیل از شخصیت و فداکاری‌های او و نیز تهیه یک فیلم سینمایی درباره او از سوی شرکت موج وابسته به سپاه پاسداران است.

با توجه به دامنه تجلیل‌ها از سلیمانی آیین‌های عزاداری برای او احتمالاً بزرگ‌ترین از نوع خود بعد از مراسم عزاداری روح‌الله خمینی رهبر فقید انقلاب ایران خواهد بود. یک مراسم باشکوه می‌تواند با منحرف کردن توجه عموم از بحران‌های داخلی اخیر – به‌ویژه اعتراضات مرتبط با افزایش قیمت بنزین در ماه نوامبر و سرکوب آن – به نفع رژیم باشد. بسیاری از ایرانی‌ها هنوز هم از پیامدهای خونبار آن سرکوب در رنج اند و عزادار. چنین مراسمی همچنین با پیشینه استفاده رژیم از سلیمانی به عنوان نمادی برای تحریک احساسات وطن‌پرستانه در میان اقشاری از جامعه همسو است که در حال از دست دادن تعهد خود به ایدئولوژی اسلامی خامنه‌ای و/یا احترام خود به مشروعیت رژیم هستند.

در واقع یک نسخه به‌دقت ساخته و پرداخته از وطن‌پرستی بر اساس نظامیگری ممکن است به قوی‌ترین ابزار رژیم برای بسیج عمومی و جبران کاهش جذب اسلام‌پستی آن تبدیل شده باشد. مثلاً محمود دولت‌آبادی داستان‌نویس معروف ایرانی که چپی سکولار و حتی یک روشنفکر ضد رژیم تلقی می‌شود و سابقه‌ای در حمایت از دولت نداشته در مصاحبه خود در اوت ۲۰۱۵ با ماهنامه «*Mehrnamah*» از همین جنس احساسات را نشان داد و با تمجید از سلیمانی تأکید کرد که نیاز مبرم به حمایت از نیروهای تحت امر او و در کل نظامیان وجود دارد. چرا که این نیروها «کشور را محافظت می‌کنند». دولت آبادی بعد از کشته شدن سلیمانی هم یادداشتی در فقد او نوشت و به او ادای احترام کرد. به همین ترتیب بلافاصله بعد از انتشار خبر هواداران رژیم و مقاماتی مثل محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات از عبارت فارسی «همه با هم» به عنوان هشتگ در پست‌های توئیتری خود درباره سلیمانی استفاده کردند تا چنین وانمود کنند که همه ایرانی‌ها فارغ از دیدگاه‌های سیاسی خود سوگوار از دست رفتن قاسم سلیمانی هستند.

در تئوری چنان تبلیغات و مراسم عزاداری پر-و-پیمانی می‌تواند برای تلاش‌های رژیم در شکل‌دهی مجدد به افکار عمومی از چند زاویه مفید واقع شود. اول این‌که ممکن است به مقامات کمک کند که دنبال کردن یک سیاست منطقه‌ای حتی پرخاشگرانه‌تر از قبل را توجیه کنند. دوم سپاه ممکن است تلاش کند که وجهه خود را از سرکوبگر اعتراضات صلح‌آمیز و جامعه مدنی به حافظ ملت ترمیم کند و چنین بنمایاند که شایسته احترام همه شهروندان است. فارغ از این‌که چه ایدئولوژی و یا نظری در مورد مشروعیت رژیم دارند. سوم عزاداری یکپارچه برای سلیمانی می‌تواند این نظریه را تقویت کند که جناح‌های مختلف دولت در خصوص سیاست خارجی تهاجمی رژیم توافق دارند که این خود روشی موثر برای سرپوش گذاشتن بر نزاع‌های سیاسی داخلی و جدافتادگی فزاینده در میان نخبگان رژیم در آستانه انتخابات مجلس در ماه آینده است.

اهداف رژیم هر چه باشد نکته مهم این است که همه ایرانی‌ها از مرگ سلیمانی عزادار نخواهند بود. در واقع برخی شهروندان در شبکه‌های اجتماعی مرگ او را جشن گرفته‌اند. علی‌رغم تبلیغات دولتی واقعیت این است که بسیاری از ایرانی‌ها او را نماد ناکامی سیاست منطقه‌ای رژیم می‌دانند تا یک قهرمان ملی – به‌ویژه بعد از آن‌که معترضان در عراق در اواخر سال گذشته شعارهای ضد ایران سر دادند و سلیمانی در تلاشی ناکام برای مهار خشم عمومی به نیروهای عراقی کمک کرد تا معترضان را سرکوب کنند.

<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/punishing-irans-triggermen-in-iraq-opening-moves-in-a-long-campaign>. افزون‌براین سپاه مدت‌هاست که ادعای «اشراف کامل اطلاعاتی» بر عراق دارد و بنابراین ناکامی آن در حفاظت از چنان فرمانده مهمی در آن کشور می‌تواند مایه شرمساری هم ایرانی‌ها و هم عراقی‌ها تلقی شود.

فارغ از واکنش‌های داخلی نمی‌توان این احتمال را رد کرد که رژیم ممکن است از مراسم عزاداری به عنوان یک ابزار تاکتیکی نظامی در خارج از ایران استفاده کند. مثلاً به گزارش خبرگزاری‌های ایرانی پیش از مراسم تشییع در تهران مراسم تشییع جنازه سلیمانی در دو شهر مقدس کربلا و نجف و «در پاسخ به تقاضای مردم عراق» برگزار می‌گردد. مهم‌تر از آن گزارش شده که شبه‌نظامیان حشد شعبی عراق اعلام کرده‌اند که آن‌ها نیز یک راهپیمایی برای «رهبران شهید» برگزار می‌کنند که نقطه آغاز آن منطقه بین‌المللی در بغداد است. جایی که سفارت آمریکا و دیگر تاسیسات دیپلماتیک خارجی در آن واقع است. راهپیمایی دوم این پتانسیل را به شکلی جدی در خود دارد که منجر به تشدید برخوردها میان نیروهای آمریکا عراق و نیروهای نیابتی ایران شود.

در مورد جانشین سلیمانی هم باید گفت رهبر ایران سرتیپ اسماعیل قآنی را به عنوان فرمانده جدید نیروی قدس انتخاب کرده است. در نامه انتصاب او خامنه‌ای آورده است که «برنامه آن نیرو عیناً همان برنامه دوران فرماندهی شهید سلیمانی است». قآنی که از فرماندهان پیشکسوت در جنگ ایران و عراق است پیش از این انتصاب قائم‌مقام سلیمانی و معاون پیشین اطلاعات در ستاد مشترک سپاه بوده است.



RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Bennett's Bahrain Visit Further Invigorates Israel-Gulf Diplomacy

مورخه ۱۴ ۶.۲۲



Simon Henderson

[\(/policy-analysis/bennetts-bahrain-visit-further-invigorates-israel-gulf-diplomacy\)](#)



BRIEF ANALYSIS

Libya's Renewed Legitimacy Crisis

مورخه ۱۴ ۶.۲۲



Ben Fishman

[\(/policy-analysis/libyas-renewed-legitimacy-crisis\)](#)



BRIEF ANALYSIS

The UAE Formally Ceases to be a Tax-Free Haven

مورخه ۱۴ ۶.۲۲



Sana Quadri ,

Hamdullah Baycar

(/policy-analysis/uae-formally-ceases-be-tax-free-haven)

TOPICS

(/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/) نظامی و امنیتی

(/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/) عرب و اسلام سیاسی

REGIONS & COUNTRIES

(/policy-analysis/raq/) عراق

(/policy-analysis/ayran/) ایران